

حرز بودن "نظارت مالک" در تحقق مفهوم سرقت

علی اکبر ایزدی فرد^۱، سید مجتبی حسین نژاد^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۵/۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱/۳۰)

چکیده

یکی از مسائل مهم درباره سرقت، مسأله حرز بودن مراعات و نظارت مالک است. با حرز دانستن مراعات و نظارت مالک، سرقت از اموالی که مالک نظارت بر آن دارد، سرقت از حرز به حساب آمده، موجب اجرای حد سرقت خواهد بود. در برابر، با حرز ندانستن نظارت مالک، این سرقت چون از حرز انجام نشده، موجب حد نخواهد بود. به نظر نویسندگان چون ملاک در فهم حرز، عرف است؛ مراعات و نظارت مالک در صورتی که مالک توجه کافی به مال خود داشته باشد، حرز به حساب می آید.

واژگان کلیدی: حرز، سرقت، نظارت مالک

Email: ali85akbar@yahoo.com

۱. استاد فقه و مبانی حقوق دانشگاه مازندران؛

۲. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی موسسه آموزش عالی پارسا (نویسنده مسئول)؛

Email: mojtaba@write.com

پیشگفتار

یکی از ساده‌ترین روش‌های نگهداری اموال، حفاظت مستقیم از آن‌ها با نظارت خود مالک است. در این تحقیق بر آن هستیم تا پس از بررسی تفصیلی دلایل موافقان و مخالفان حرز بودن نظارت مالک، نظارت مالک را در بعضی از مراتب، حرز تلقی کرده و به تبع آن، سرقت اموال از پیش روی مالک را مستوجب حد بدانیم. فقها با وجود اجماع بر اعتبار "در حرز بودن مال مسروقه" به عنوان یکی از شرایط اجرای حد سرقت [۲۸، ص ۵۳۰؛ ۳۳، ج ۵، ص ۴۱۸؛ ۵، ص ۴۳] و لزوم مراجعه به عرف، [۲۷، ج ۴، ص ۳۷۷؛ ۲۰، ج ۴، ص ۳۴۵] در تبیین ماهیت و مصادیق حرز با یکدیگر اختلاف نظر داشته، پنج نظریه ارائه کرده‌اند:

اول: جایی که انسان بدون اذن صاحب یا شخصی که مکان در تصرف اوست، حق ورود به آن را ندارد. [۷، ص ۴۱۱؛ ۳۵، ص ۷۱۴]

دوم: مکانی که سارق در آن مکان احساس خطر کند، چرا که مکان به صورت دائمی کنترل می‌شود یا بسته است. [۱۱، ج ۳، ص ۵۶۰]

سوم: مکانی که اموال در آن مکان به خاطر قفل بودن یا بسته بودن یا مدفون بودن، از دستبرد دیگران محفوظ است. [۱۴، ج ۳، ص ۴۸۳؛ ۱۵، ج ۴، ص ۱۶۲]

چهارم: مکانی که برای غیر مالک بدون اذن مالک، دخول و تصرف در آن جایز نیست، افزون بر این که قفل شده یا بسته است. [۳۶، ص ۴۱۸]

پنجم: مکانی که اموال در آن مکان به خاطر قفل بودن یا بسته بودن یا مدفون بودن، از دستبرد دیگران محفوظ است، مکانی که در نظر عرف محل حفاظت آن اموال به حساب می‌آید. [۳۹، ج ۱۴، ص ۵۰۶؛ ۴۸، ج ۱۳، ص ۲۳۹]

از آنجا که ملاک در حرز به اجماع فقها، رجوع به عرف است، قضاوت عرف به مکان-های قفل شده یا بسته شده یا مکانی که مال در آن دفن شده، منحصر نیست، بلکه مواردی چون مخفی کردن چیزی از دید مردم در زیر فرش یا کتاب یا مراقبت مالک از گوسفندان و شتران در بیابان حرز به حساب می‌آیند. از این رو، ذکر این موارد در روایات دال بر اعتبار حرز، هم‌چون روایت موثقه سکونی (لَا يَقْطَعُ إِلَّا مَنْ نَقَبَ بَيْتًا أَوْ كَسَرَ قُفْلًا) [۳۱، ج ۴، ص ۲۴۳؛ ۳۲، ج ۱۰، ص ۱۰۹؛ ۴، ج ۲۸، ص ۲۷۷] تنها از باب مثال بوده، هیچ خصوصیتی ندارند؛ نه این که حرز از باب تعبد منحصر به این موارد باشد. [۳۹، ج ۱۴، ص ۵۰۶؛ ۴۸، ج ۱۳، ص ۲۳۹؛ ۴۳، ص ۵۳۳-۵۳۴] بنابراین، حرز عبارت است از هر مکانی که اموال در آن مکان به خاطر قفل بودن یا بسته بودن یا مدفون

بودن، از دستبرد دیگران محفوظ است؛ یعنی جایی که در نظر عرف محل نگهداری اشیاء تلقی می‌شود.

۱. مفهوم "مراعات و نظارت مالک" و اقسام آن

منظور از "مراعات و نظارت مالک"، نگرستن مالک به اموال خود است [۳۹، ج ۱۴، ص ۴۹۶؛ ۳۴، ج ۸، ص ۲۳-۲۴ و ۳۶؛ ۱۱، ج ۳، ص ۵۶۱-۵۶۲]. این مراعات گاهی دائمی (نگاه دائمی مالک به اموال خود)؛ گاهی عرفی است (از نظر عرف و عادت، مالک مراقب مال خود است) و گاهی از نظر عرف نیز عنوان نظارت اطلاق نمی‌شود (نک: ۳۹، ج ۱۴، ص ۴۹۶).

۲. اقوال فقها در حرز بودن "مراعات مالک"

قانون‌گذار در مقام تعیین حرزیت یا عدم حرزیت مراعات مالک بحثی را به میان نیاورده و تنها در ضمن ماده ۲۶۹ قانون مجازات اسلامی در تبیین حرز آورده است: «حرز عبارت از مکان متناسبی است که مال عرفاً در آن از دستبرد محفوظ می‌ماند». اما فقها این مسئله را به صورت دقیق بررسی کرده‌اند. که با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی ضروری است مورد توجه قرار گیرد.

اول: گروهی از فقها از جمله ابن جنید [۱۲، ج ۹، ص ۲۱۵]، شیخ طوسی [۳۳، ج ۵، ص ۴۲۰؛ ۳۴، ج ۸، ص ۲۳-۲۵ و ۴۵]، قاضی ابن براج [۳۰، ج ۲، ص ۵۳۸]، فخرالمحققین [۱۳، ج ۴، ص ۵۲۹ و ۵۳۱]، فاضل مقداد [۲۷، ج ۴، ص ۳۷۸]، محقق اردبیلی [۴۸، ج ۱۳، ص ۲۳۹-۲۴۰]، محقق کاشانی [۴۶، ج ۲، ص ۹۲] و از فقهای معاصر نیز آیت الله مرعشی نجفی [۴۲، ص ۲۲۳] و آیت الله شیرازی [۶، ج ۸۸، ص ۱۰۷] قائل به حرز بودن مراعات مالک هستند.

شیخ طوسی در مبسوط پس از حرز دانستن مراعات و نظارت مالک در مقام تقسیم کردن شتران به شتر راعیه (شتری که در بیابان چرا می‌کند) و شتر بارکه (شتری که نشسته یا خوابیده است) و شتر مقطره (شتری که به صورت کاروانی در حال حرکت است)، می‌نویسد: «اگر شتر راعیه باشد، حرزش آن است که چوپان ناظر باشد. پس اگر چوپان در یک مکان بلند ایستاده یا زمین صاف و هموار باشد، تمام آن شتران بواسطه مراعات مالک در حرز خواهند بود. زیرا مردم از شتران خود در چراگاه‌ها این‌گونه محافظت می‌کنند. اما اگر چوپان ناظر نیست یا نگاه نمی‌کند، مثل این‌که پشت یک تپه بلند یا کوهی ایستاده است یا در جای پستی قرار گرفته که

گله را نمی‌بیند یا خوابش برده، شترها در حرز نخواهد بود. در صورتی که چوپان تنها به برخی از شترها نگاه کند، همان تعداد در حرز خواهند بود». [۳۴، ج ۸، ص ۲۳] همین مطلب در شتر بارکه و مقطره نیز جاری است. [۳۴، ج ۸، ص ۲۳]

شیخ در جای دیگری می‌نویسد: «اگر مالی بین دو دست شخصی باشد (مثل ترازویی که بین دو دست نانوا و پارچه‌ای که میان دستان پارچه‌فروش است) و آن شخص به آن مال نگاه کند، این نگاه کردن به عنوان حرز برای آن مال به حساب می‌آید؛ در نتیجه اگر فردی آن مال را بدزدد، حد قطع بر وی اجرا می‌شود و اگر شخص از نگاه کردن به آن مال غافل باشد یا خوابش ببرد، در این صورت آن مال در حرز نبوده، سرقت از آن، موجب اجرای حد قطع نخواهد بود». [۳۴، ج ۸، ص ۲۴]

دوم: سلار [۲۶، ص ۲۵۸]، ابن‌ادریس [۱۴، ج ۳، ص ۵۰۲]، محقق حلی [۱۵، ج ۴، ص ۱۷۵؛ ۱۶، ج ۱، ص ۲۲۴]، علامه حلی [۸، ج ۲، ص ۱۸۳؛ ۹، ج ۵، ص ۳۶۰؛ ۱۲، ج ۹، ص ۲۱۶]، شهید اول [۴۰، ج ۴، ص ۲۵۳؛ ۴۱، ص ۲۶۱]، شهید ثانی [۳۷، ج ۴، ص ۲۵۳؛ ۳۸، ج ۹، ص ۲۴۳؛ ۳۹، ج ۱۴، ص ۴۹۶]، فاضل هندی [۴۵، ج ۱۰، ص ۵۹۵]، صاحب ریاض [۲۹، ج ۱۶، ص ۱۰۳]، صاحب جواهر [۵۲، ج ۴۱، ص ۵۰۱-۵۰۳] و بسیاری از فقهای معاصر [۴۳، ص ۵۳۷؛ ۴۹، ج ۲، ص ۴۸۶]، قائل به حرز نبودن مراعات مالک بوده، ابن‌ادریس حلی نظریه شیخ طوسی را مبنی بر حرزیت مراعات و نظارت مالک را از تخریجات و استحسانات عامه دانسته است.

به هر حال، قول به حرز بودن مراعات مالک با تعریف سوم از حرز قابل جمع نیست؛ زیرا ظاهر کلام این گروه از فقها همچون ابن‌ادریس [۱۴، ج ۳، ص ۴۸۳] و راشد صیمری [۲۰، ج ۴، ص ۳۴۵] منحصر کردن حرز به موارد مقفل و مغلق و مدفون است. همچنین قول به حرز بودن مراعات مالک با تعریف اول که دیدگاه خود شیخ طوسی است [۳۴، ج ۸، ص ۲۲؛ ۳۵، ص ۷۱۴]، سازگاری نداشته و قابل جمع نمی‌باشد. [۳۸، ج ۹، ص ۲۴۴] به همین جهت، این اشکال بر شیخ طوسی وارد است که با تعریف وی از حرز (مکانی که انسان بدون اذن صاحبش حق ورود به آن جا را ندارد)، نمی‌توان قائل به حرز بودن مراعات مالک شد؛ زیرا اذن به ورود اشخاص به بیابان و محل گله به واسطه عمومی بودن یا موات بودن آن مکان است. قول به حرز بودن مراعات مالک با تعریف چهارم حرز نیز سازگاری ندارد؛ زیرا این تعریف حاصل جمع تعریف اول و سوم حرز است. [۲۹، ج ۱۶، ص ۱۰۵]

هر چند قول به حرز بودن مراعات مالک با تعریف دوم قابل جمع است؛ [۳۸، ج ۹، ص ۲۴۴] اما چنانچه گذشت، این تعریف صحیح نیست. بنابراین، این قول تنها با تعریف پنجم حرز سازگار خواهد بود. به همین جهت، طرح نظریه حرز بودن مراعات مالک از سوی شیخ طوسی، قرینه‌ای است بر این که تعریف شیخ از حرز (تعریف اول) تنها بیانی از مصادیق غالبی حرز است، نه این که حرز منحصر در آن باشد؛ پس شیخ طوسی نیز با توجه به پذیرش حرز بودن مراعات مالک، از جمله طرفداران تعریف پنجم به حساب می‌آید.

۳. دلایل فقهی حرز بودن مراعات مالک

مستند طرفداران نظریه اول عبارت است از:

یک: صحیح حلبی. از امام صادق (ع) پرسیدم اگر کسی دزد را بگیرد، نزد حاکم برود یا رهایش کنند؟ امام صادق (ع) فرمودند: صفوان ابن ابی امیه در مسجد الحرام خوابیده بود و بعد از این که از خواب بیدار شد، ردای خود را داخل مسجد گذاشت و برای تجدید وضو به بیرون رفت؛ وقتی که برگشت دید ردایش دزیده شده! گفت: چه کسی ردای من را برداشته است؟ دنبال آن دزد رفت، دزد را پیدا کرد و او را نزد حضرت برد و گفت: این شخص ردای من را دزدیده است. حضرت فرمود: دستش را قطع کنید، صفوان یک دفعه دید که می‌خواهند دست آن شخص را قطع کنند، گفت: می‌خواهید دستش را به خاطر ردای من قطع کنید؟! حضرت فرمود: بله، گفت: آقا من بخشیدم، حضرت فرمود: چرا قبل از این که او را پیش من بیاورید، نبخشیدی؟ راوی می‌گوید: آیا امام هم به منزله نبی است؟ حضرت فرمود: بله. راوی می‌گوید: اگر قبل از این که مجرم را پیش امام ببرند، او را ببخشند چه حکمی دارد؟ حضرت فرمود: نیکو است. [۴، ج ۲۸، ص ۳۹؛ ۳۱، ج ۴، ص ۲۵۱؛ ۳۲، ج ۱۰، ص ۱۲۳؛ ۴۷، ج ۷، ص ۲۵۱]

بر اساس این روایت امام دست سارق ردای صفوان را قطع کرد، در حالی که ردای صفوان جز به واسطه مراعات خود صفوان، در حرز نبوده است. [۳۹، ج ۱۴، ص ۴۹۶]

سند این روایت در کافی عبارت است از «محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن أبیه عن ابن أبی عمیر عن حماد عن الحلبي عن أبی عبد الله (ع)» و در تهذیب و استبصار عبارت است از «محمد بن الحسن بن علی الطوسی عن علی بن ابراهیم عن أبیه عن ابن أبی عمیر عن حماد عن الحلبي عن أبی عبد الله (ع)». این سند بنا بر هر سه طریق به خاطر قرار گرفتن راویان ثقه جلیل در طریق آن، صحیح است.

دو: قضاوت عرفی. از نظر عرف بسیاری از اموال که در مراعات و نظر مالک هستند، در حرز قرار دارند. [۳۸، ج ۹، ص ۲۴۳؛ ۴۵، ج ۱۰، ص ۵۹۵؛ ۲۹، ج ۱۶، ص ۱۰۳]. اما مستند نظریه دوم؛ علامه حلی در کتاب مختلف پس از نقل سخن ابن ادریس [۱۴، ج ۳، ص ۴۸۴] مبنی بر در حرز نبودن اموال به واسطه مراعات مالک، آن را قول قوی‌تر دانسته، دلیل آن را روایت سکونی (لَا يُقْطَعُ إِلَّا مَنْ نَقَبَ بَيْتًا أَوْ كَسَرَ قُمْلًا) [۳۱، ج ۴، ص ۲۴۳؛ ۳۲، ج ۱۰، ص ۱۰۹؛ ۴، ج ۲۸، ص ۲۷۷] یاد می‌کند. [۱۲، ج ۹، ص ۲۱۶]

۴. نقد و بررسی

روایت سکونی از آن جهت که در مقام بیان مثال برای حرز است با الغای خصوصیت، دلالت بر انحصار به موارد موجود در روایت ندارد؛ از این رو، نمی‌تواند به عنوان مستند برای قول به حرز نبودن مراعات مالک به حساب آید. همچنان که شهید ثانی در مسالک پس از آوردن استدلال علامه به روایت سکونی، آن را از فقیه‌ی مثل علامه حلی، بعید می‌داند؛ زیرا تمام فقها بر عدم انحصار حرز بر موارد موجود در این روایت اتفاق نظر دارند. [۳۹، ج ۱۴، ص ۵۰۶]

شهیدثانی در شرح لمعه و حاشی ارشاد پس از این‌که استدلال به روایت سکونی را به جهت قرار گرفتن سکونی در طریق آن، ضعیف می‌شمرد، در مقام اشکال بر حرز بودن مراعات مالک می‌نویسد: «ممکن است بگوییم حرز با مراعات مالک محقق نمی‌شود، مگر زمانی‌که مراقب به آن شی چشم بدوزد که در این صورت، سرقت اصطلاحی (سرقت مستوجب حد) تحقق پیدا نمی‌کند؛ زیرا یکی از شرایط سرقت مستوجب حد، آن است که عمل سرقت به صورت پنهانی و دور از اطلاع دیگران واقع شود به گونه‌ای که با غفلت و عدم توجه آنان انجام شود و روشن به نظر می‌رسد که اگر مراقب از آن شی غفلت کند، هرچند برای یک لحظه باشد، نسبت به همین زمان صدق می‌کند که به شی مورد نظر بی‌توجه بوده و مراقب آن نیست و وقتی که مراقب نبود، حرز صادق نیست و در نتیجه، سرقت اصطلاحی نیز تحقق پیدا نمی‌کند. پس سرقت با مراعات مالک محقق نمی‌شود، هرچند آن را از مصادیق حرز نیز بدانیم. [۳۸، ج ۹، ص ۲۴۳-۲۴۴؛ ۴۰، ج ۴، ص ۲۵۳]

شهید ثانی در مسالک نیز در مقام اشکال به حرز بودن مراعات مالک، مدعی است استدلال به روایت صفوان درست نیست، زیرا معنای مراعات مالک، نگاه کردن مالک به

اموال خود است، پس اگر مالک بخوابد یا نسبت به آن غافل یا غائب شود، حرزیت مراعات نیز برای آن اموال از بین می‌رود. بنابراین، حکم به در حرز بودن اموال با مراعات مالک با غائب بودن او قابل جمع نیست. [۳۹، ج ۱۴، ص ۴۹۵-۴۹۷]

فاضل هندی نیز پس از آوردن اسامی برخی از قائلان به حرز نبودن مراعات مالک، مدعی است: دست‌کم در این موارد شک داریم که بردارنده مال، سارق است یا مختلس، در نتیجه، حد از او ساقط می‌شود. [۴۵، ج ۱۰، ص ۵۹۶]

صاحب ریاض دلیل دیگر این گروه را روایت موثقه سکونی دانسته، پس از نقل اشکال شهید ثانی در روضه، اشکال شهید ثانی در مسالک را موجه می‌داند. [۲۹، ج ۱۶، ص ۱۰۳-۱۰۴ و ۱۰۷]

صاحب جواهر نیز افزون بر اشکالات گذشته، معتقد است برخی از اشیاء فاقد حرز بوده، مراقبت از آن، حراست است و حراست در نظر عرف حرز تلقی نمی‌شود؛ زیرا حرز چیزی است که برای حفظ شی، آماده شده باشد در حالی که از نظر عرف، مراقبت مالک تنها حراست است. [۵۲، ج ۴۱، ص ۵۰۱-۵۰۳]

۵. نظر برگزیده

از نظر نویسندگان، مراعات و نظارت مالک در برخی از موارد و نه همیشه، حرز به حساب می‌آید؛ زیرا روایت سکونی هرچند به واسطه عمل فقها به آن موثوق الصدور است و همین مقدار نیز برای حجیت آن کافی است [نک: ۲۱، ص ۶۰-۶۱؛ ۲۳]؛ اما همچنان قول دوم نادرست به نظر می‌رسد، چرا که منظور شیخ طوسی از این‌که مراعات مالک حرز است، حرز در فهم عرفی است، در حالی که نقد شهید ثانی و فقهای دیگر بر قول شیخ، نقد عقلی است. از آنجا که معیار در حرز بودن، صدق عرفی است؛ سخن شیخ طوسی صحیح خواهد بود؛ هرچند مرتبه مراعات هم بسته به نوع مال متفاوت است. به همین خاطر، علامه حلی در قواعد [۱۱، ج ۳، ص ۵۶۱] در صورتی مراعات مالک در خیابان و مسجد را حرز می‌داند که دارای این شرایط: ۱- مالک خواب یا چرت نزند، ۲- مالک پشت به کالا نکند، ۳- ازدحام و شلوغی جمعیت مانع از نظارت مالک بر مال نشود، ۴- مالک دارای دیدگان ضعیف یا کودک نباشد.

فاضل هندی دلیل این قیود را مقتضای عرفی می‌داند. [۴۵، ج ۱۰، ص ۶۰۱]

همچنین از میان فقهای معاصر آیت الله سید محمد شیرازی پس از حرز دانستن مراعات مالک به خاطر مقتضای عرف در تبیین مقتضای عرفی می‌نویسد: «اگر انسانی

اسباب و وسایل خود را در مکان عمومی بگذارد و کسی را به عنوان نگهبان و ناظر بر اموال قرار دهد تا این که از آن‌ها مراقبت کند، این انسان می‌گوید: "حزرت مالی"، همان گونه که اگر به درب مغازه یا خانه‌ای قفل بزند، چنین می‌گوید. [۶، ج ۸۸، ص ۱۰۷]

بنابراین، اگر ملاک تشخیص موضوع، عرف باشد [۴۲، ص ۲۲۳؛ ۲۲، ج ۳، ص ۱۳۸]، مراعات مالک با وجود شرایط لازم آن، حرز تلقی می‌شود. افزون بر این، خود شهید ثانی معتقد است که اگر حرز را مطابق با تفسیر بعضی از فقها به "مکانی که سارق در آن مکان به خاطر نظارت دایمی یا عرفی مالک، احساس خطر می‌کند"، تفسیر کنیم، در این صورت می‌توانیم مراعات و نظارت مالک را حرز بدانیم به گونه‌ای که قابل جمع با سرقت باشد؛ زیرا در حرز بودن مراعات و نظارت مالک، مراعات به نحو دائمی شرط نیست، بلکه متعارف از آن نیز کفایت می‌کند و مراعات عرفی نیز قابل جمع با غفلت مالک بوده، به گونه‌ای که امکان سرقت از مالک وجود داشته باشد. [۳۹، ج ۱۴، ص ۴۹۷]

بر این اساس، مراعات عرفی قابل جمع با ربودن پنهانی است و سرقت (ربودن اموال به نحو پنهانی)، نیز قابل جمع با مراعات عرفی است. [نک: ۱۸، ص ۴۸۸]

افزون بر این، مرحوم شهید ثانی در روضه مراد از پنهانی بودن عمل سرقت را "آگاهی نداشتن مالک نسبت به بردن مال" (سراً من غیر شعور المالك به) می‌داند. [۳۸، ج ۹، ص ۲۲۱]؛ اما باید توجه داشت که اگر مراد از "پنهانی بودن عمل سرقت"، پنهانی بودن از نظر مالک باشد در این صورت اگر سارق دست و پای صاحب مال را ببندد و اموالش را بر باید یا صاحب مال از ترس، نظاره‌گر ربایش مال خود باشد، این عمل نباید سرقت به حساب آید با این که در نظر عرف چنین نیست. به همین خاطر، برخی معیار در مخفیانه بودن عمل سرقت را پنهانی بودن از دیدگان عموم می‌دانند نه مالک. [۱، ص ۳۳۷؛ ۲]

به هر حال، به نظر می‌رسد مراد از "مخفیانه بودن عمل سرقت" این نیست که مال باخته یا دیگران به هیچ وجه شاهد آن نباشند، بلکه منظور، توسل سارق به پنهان کاری عرفی در انجام عملیات ربودن و نه پنهان ماندن هویت خود سارق است. [۳، ص ۲۰۸؛ ۱۹، ص ۷۷؛ ۵۰، ص ۱۸۹]

بنابراین، اشکال شهید ثانی بر نظر شیخ طوسی وارد نخواهد بود.

محقق اردبیلی در مقام نقد سخن علامه مبنی بر حرز نبودن نظارت چوپان نسبت به گله می‌نویسد: «ما هیچ راهی برای حفظ شتران و گوسفندان در بیابان و صحرا جز نظارت مالک نداریم. زیرا اشخاص در بیابان و چراگاه‌ها، خانه و اصطبل قفل دار ندارند تا اینکه گله را به واسطه آن در حرز نگه دارند. اگر مراعات و نظارت مالک به عنوان حرز

تلقی نشود، باید مدعی شد که امین بر اموال، همچون ودعی و مستعیر، ضامن است و حال آن فقها چنین نگفته‌اند. [۴۸، ج ۱۳، ص ۲۴۲-۲۴۳]

نتیجه‌گیری

در مورد حرز بودن مراعات و نظارت مالک دو نظریه میان فقها مطرح است: حرز بودن مراعات و نظارت مالک و حرز نبودن آن. دیدگاه دوم درست نیست، زیرا گرچه همیشه مراعات و نظارت مالک حرز به حساب نمی‌آید، اما برخی مراتب آن از نظر عرف حرز بوده، در نتیجه، سرقت از چنین اموالی که تحت مراقبت و نظارت مالک هستند، موجب اجرای کیفر حد قطع بر سارق می‌شود.

منابع

- [۱]. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۱۷ق). *أسس الحدود و التعزیرات*، قم، دفتر آیت الله تبریزی.
- [۲]. -----، *درس خارج فقه الحدود*، مقرر: سید مجتبی حسین نژاد، نسخه خطی.
- [۳]. حبیب‌زاده، محمدجعفر (۴). *سرقت در حقوق کیفری ایران*، تهران، انتشارات دادگستر.
- [۴]. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*، ج ۲۸، قم، موسسه آل البيت (ع).
- [۵]. حسینی، حمزة بن علی معروف به ابن زهره (۱۴۱۷ق). *غنیة النزوع*، قم، موسسه امام‌صادق (ع).
- [۶]. حسینی شیرازی، سید محمد (۴). *الفقه*، ج ۸۸، بی نا.
- [۷]. حلبی، ابوصلاح تقی الدین (۱۴۰۳ق). *الکافی فی الفقه*، بی جا، بی نا.
- [۸]. حلّی، حسن بن یوسف مطهر معروف به علامه حلّی (۱۴۱۰ق). *ارشاد الاذهان*، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۹]. ----- (۴). *تحریر الاحکام*، بی جا، بی نا.
- [۱۰]. ----- (۱۳۸۱ق). *الخلاصه*، نجف، المطبعة الحیدریة.
- [۱۱]. ----- (۱۴۱۳ق). *قواعد الاحکام*، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۱۲]. ----- (۴). *مختلف الشیعة*، ج ۹، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۱۳]. حلّی، محمد بن حسن بن یوسف مطهر، فخرالمحققین (۱۳۸۷ش)، *ایضاح الفوائد*، ج ۴، قم، موسسه اسماعیلیان.
- [۱۴]. حلّی، محمد بن منصور، ابن ادریس (۱۴۰۶ق). *السرائر*، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۱۵]. حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، محقق اول (۱۴۰۸ق). *سرائع الاسلام*، ج ۴، قم، موسسه اسماعیلیان.
- [۱۶]. ----- (۱۴۱۸ق). *المختصر النافع*، ج ۱، قم، موسسه المطبوعات الدینیة.
- [۱۷]. ----- (۱۴۰۷ق). *المعتبر فی شرح المختصر*، ج ۱، قم، بی نا.

- [۱۸]. خوانساری، آقا جمال الدین محمد بن آقا حسین (؟). *التعلیقات علی الروضة البهیة*، قم، منشورات المدرسة الرضویة.
- [۱۹]. دهقان، حمید (۱۳۷۹ق). *بررسی قانون سرقت*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۲۰]. راشد صیمری، مفلح بن حسن (۱۴۲۰ق). *غایة المرام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۴، بیروت، دارالهادی.
- [۲۱]. سبحانی، جعفر (؟). *اصول الحدیث و احکامه فی علم الدراية*، قم، موسسه نشر اسلامی.
- [۲۲]. ----- (۱۳۶۷ش). *تهذیب الأصول* (تقریرات درس خارج اصول امام خمینی «ره»)، ج ۳، قم، دار الفکر.
- [۲۳]. ----- . *درس خارج اصول*، مقرر: سید مجتبی حسین نژاد، نسخه خطی.
- [۲۴]. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). *مهذب الاحکام*، ج ۲۷، قم، دفتر آیت الله سبزواری.
- [۲۵]. سبزواری، محمدباقر بن محمد (۱۴۲۳ق). *کفایة الاحکام*، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۲۶]. سلار، حمزة بن عبدالعزيز دیلمی (۱۴۰۴ق). *المراسم العلویة*، قم، منشورات الحرمین.
- [۲۷]. سیوری، جمال الدین مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴ق). *التنقیح الرائع*، ج ۴، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- [۲۸]. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۱۳ق). *الاتصار*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۲۹]. طباطبایی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل*، ج ۱۶، قم، موسسه آل البيت (ع).
- [۳۰]. طرابلسی، عبدالعزیز، قاضی ابن براج (۱۴۰۶ق). *المهذب*، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۳۱]. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). *الاستبصار*، ج ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۲]. ----- (۱۴۰۷ق). *تهذیب الاحکام*، ج ۱۰، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۳]. ----- (۱۴۱۳ق). *الخلاف*، ج ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۳۴]. ----- (۱۳۸۷ش). *المبسوط*، ج ۸، تهران، المكتبة المرتضویة.
- [۳۵]. ----- (۱۴۰۰ق). *النهاية*، بیروت، دار الكتاب العربی.
- [۳۶]. طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸ق). *الوسيلة*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- [۳۷]. عاملی، زین الدین بن علی، شهید ثانی (؟). *حاشیة الارشاد*، ج ۴، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۳۸]. ----- (۱۴۱۲ق). *الروضة البهیة*، ج ۹، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۳۹]. ----- (۱۴۱۳ق). *مسالك الافهام*، ج ۹ و ۱۴، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
- [۴۰]. عاملی، محمد بن مکی، شهید اول (۱۴۱۴ق). *غایة المراد*، ج ۴، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۴۱]. ----- (۱۴۱۰ق). *اللمعة الدمشقیة*، بیروت، دارالترتات.
- [۴۲]. علوی، سید عادل (؟). *احکام السرقة علی ضوء القرآن والسنة* (تقریرات درس خارج آیت الله مرعشی نجفی)، قم، کتابخانه آیت الله مرشی.

- [۴۳]. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ق). *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیله (الحدود)*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- [۴۴]. ----- درس خارج فقه الحدود، مقرر: سید مجتبی حسین نژاد، نسخه خطی.
- [۴۵]. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *کشف اللثام*، ج ۱۰، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۴۶]. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه (?). *مفاتیح الشرایع*، ج ۲، بی جا، بی نا.
- [۴۷]. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، ج ۷، بی جا، دار الکتب الاسلامیه.
- [۴۸]. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة و البرهان*، ج ۱۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۴۹]. موسوی خمینی، سید روح الله (?). *تحریر الوسیله*، ج ۲، قم، موسسه دارالعلم.
- [۵۰]. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۴ش). *جرایم علیه اموال و مالکیت*، تهران، نشر میزان.
- [۵۱]. نجاشی، ابی العباس أحمد بن علی (۱۴۰۷ق). *رجال النجاشی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۵۲]. نجفی، محمد حسن بن باقر (?). *جواهر الکلام*، ج ۴۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

